



دشواری‌های دست‌گردان شدن قدرت در چین

وقایع اخیر نشان داد که رهبران سنتی چین در سرکوب هر اقدامی که بتواند از اقتدار آنان بکاهد، لحظه‌ای تردید نمی‌کنند

شمارش معکوس برای رسیدن به نقطه پایان دوران اقتدار مردانی که بزرگترین دیکتاتوری جهان را اداره می‌کنند آغاز شده است. این که رهبران سالخورده چین باقیمانده دوران اقتدار خود را چگونه به سر خواهند آورد و قبل از تحویل قدرت به نسل آینده از چه راهی نفوذ کنونی خود را بر ارگانهای دولتی و حزبی چین حفظ خواهند کرد، در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.

کنگره حزب کمونیست چین که قرار است در سال ۲۰۰۲ تشکیل شود برای نخستین بار در پنجاه سال گذشته تصمیم خواهد گرفت که چه چیزهایی واقعاً برای کام برداشتن در راه طولانی مدرنیزه کردن چین در اولویت نظم سیاسی کشور قرار خواهد داشت و تا چه اندازه از دردهایی که در داخل کشور و روابط خارجی دارد خواهد کاست.

قرار است دو سال دیگر،

«جیانگ زمین» از مسند ریاست حزب کمونیست کناره‌گیری کند و یک سال بعد کرسی ریاست جمهوری را به شخص دیگری بسپارد. تنها مقامی که وی پس از آن حفظ خواهد کرد، ریاست کمیساریای مرکزی نیروهای مسلح است. انتظار می‌رود «ژو رونگجی» نخست‌وزیر نیز از

صحنه خارج شود. آخرین چهره از زمامداران قدیمی که او نیز به زودی خانه نشین خواهد شد، «لی پنگ» رئیس کنگره خلق چین است که به عنوان مسئول اصلی به خاک و خون کشیدن تظاهرات دمکراسی در میدان تیان آن من (میدان صلح آسمانی) در سال ۱۹۸۹ شهرت دارد. در حالی که جوان‌ترهای امیدوار به اشغال



پست‌های کلیدی که سالهای پنجاه یا شصت سالگی عمر را می‌گذرانند، خود را در نوبت می‌پندارند، هفتاد - هشتاد ساله‌ها به خود می‌بالند، و این امتیاز را برای خود قائلند که در اعاده ثبات به کشور برای چند دهه موفق بوده‌اند. شاید چنین ثباتی ناشی از فقدان یک تهدید خارجی

باشد که چین سالها از آن به دور بوده است. امروز نیز به جز ادعای چین بر مالکیت تایوان و چند جزیره در دریای چین جنوبی، که تا این لحظه از آن بوی خشونت به مشام نرسیده، مشکل بزرگ خارجی دیگری فراروی رهبران پکن قرار نداشته است. از هم‌اکنون پیداست که هر لحظه از لحظات انتقال قدرت از نسل سالخورده به نسل جوان‌تر با لرزشهایی توأم خواهد بود، چراکه طبیعت نظام کمونیستی بیشتر جنگندگی و مبارزه طلبی است تا گفتگوهای دمکراتیک. بنابراین در کارزار پایان یافتن اقتدار سیاسی تبار سالمندان حاکم، بوی خشونت به مشام می‌رسد و نیز مسائل خارجی چون مسئله تایوان، ادعاهای ارضی و روابط با دو غول رقیب، یعنی آمریکا و ژاپن که نه در ظاهر، بلکه در خفا سعی در بهره‌برداری از این انتقال دارند، به نظر نمی‌رسد با ملایمت و خویشتنداری حل و فصل شود.

در داخل چین، پس از پشت سر گذاشتن یک موج ضد توری، اقتصاد کشور به راه پیشرفت افتاده که می‌تواند برای مدتی ادامه داشته باشد. ضمانت ادامه چنین بهبودی، قدرت رقابت جهانی چین در زمانی خواهد بود که این کشور به سازمان تجارت جهانی می‌پیوندد. امروز در ارگانهای حزب

کمونیست چین کمتر کسی است که به نیاز کشورش برای برخورداری از اقتصادی نیرومند و تأمین رفاه و سعادت برای مردم کشورش معتقد نباشد. با این حال، مبارزه‌ای بی‌امان میان کسانی که می‌خواهند با سرعت یک چین مدرن و توانا بسازند و آنهایی که راه رسیدن به این اهداف را همچنان سوسیالیسم کهنه می‌دانند، در جریان است. حتی خوشبین‌ترین اصلاح‌طلبان بر این نکته آگاهی دارند که مبارزه جوئی برای ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی نظیر بیکاری، مهاجرت‌های غیرقابل کنترل به شهرها و شبکه پیچیده ایمنی

اجتماعی، امری است اساسی و در عین حال بسیار مشکل. گذر از این مرحله بیش از آنچه به نظر می‌آید، پردردسر و شکننده است، چرا که جامعه چین بسیار سریع‌تر از شیوه‌های مدیریتی انقلابی مورد نظر حاکمان چین در حال متحول شدن است. نشانه‌های این تحول هم‌اکنون به وضوح دیده می‌شود؛ ناآرامی‌های کشاورزان در اعتراض به پرداخت مالیات‌های اجباری، تظاهرات خیابانی کارگران به دلیل عدم دریافت دستمزد برای ماه‌های متمادی و بسته شدن کارخانجات به علل بروز مشکلات اقتصادی همه مسائلی هستند که برای رویارویی با آنها نوعی رهبری تواناتر و شجاع‌تر از مدیریتی خشک و کلیشه‌ای سوسیالیسم کهنه مورد لزوم است.

اصلاحات سیاسی خارج از چارچوب افکار کنونی حاکمان که از نیازهای اساسی اقتصاد چین است از جمله این الزامات به شمار می‌رود و بدیهی است موجب خواهد شد حزب کمونیست تا حدودی کنترل خود را بر نهاد‌های مدنی کشور از دست بدهد. در همین حال، حاکمان چین در برخورد با زمره‌های جدائی‌خواهانه در ایالات مسلمان نشین، کنترل خود را بر این ایالات شدیدتر کرده‌اند که این وضع می‌تواند خطر بالقوه‌ای برای افزایش خشونت باشد. از جمله تمهیدات برای کنترل اوضاع، ایجاد نظام سانسوری دقیق بر محتویات شبکه جهانی اینترنت است.

در بخش‌هایی از تشکیلات حزب کمونیست این واقعیت پذیرفته شده است که بدون دست‌زدن به اصلاحات سیاسی بیشتر، کنترل حزب بر

اوضاع اجتماعی می‌تواند به صورتی خطرناک به مخاطره بیفتد و در همین بخش‌ها بحث‌هایی در جریان است که به جز فورمول‌های قدیمی کمونیستی برای کنترل جامعه، چه تدابیر جدیدی به کار گرفته شود. رهبران جزم‌اندیش حزب که حاضر به پذیرفتن هیچ نوآوری نیستند، هر جا که با چنین بحث‌هایی روبرو می‌شوند بدون پروا، عاملان آن را از مناصب حزبی کنار می‌گذارند و چنگال خود را در ممنوع کردن و یا سانسور انتشارات و رسانه‌های تصویری محکم‌تر می‌کنند. در پس پرده، مبارزه و سرکوب نهضت روحانی



جامعه پسند که در عین حال، ستیزه‌جویی با دشمنان در آن نهفته است روی آورده‌اند. خمیرمایه این ایدئولوژی را ناسیونالیسم چین تشکیل می‌دهد. چینی‌ها در استدلال‌شان برای بازپس‌گیری تایوان و خنثی‌سازی اعتراضات آمریکا، ملیت تایوانی‌ها را مطرح ساخته و بدون آنکه نامی از مارکسیسم را چاشنی ادعاهای خود کنند، ملت تایوان را جزئی از ملت بزرگ چین عنوان کرده‌اند. به این ترتیب، رهبران چین درصدد برآمده‌اند در میان ملت و به خصوص اندیشمندان و نظامیان چین متحدان جدیدی را به سوی شیوه رهبری خود جذب کنند که بدیهی است

هدف نهایی آنها مستحکم‌تر کردن کنترل بیشتر بر ارکان حزب کمونیست است. اکثریت رهبران چین اذعان دارند که هر تلاشی برای به دست آوردن مجدد تایوان از طریق زور، ضایعات غیرقابل محاسبه‌ای بر اقتصاد کشور از یک سو و بر روابط چین با آمریکا و ژاپن از سوی دیگر، وارد خواهد ساخت. در سالهای گذشته، هر زمان که چین ادعای ارضی خود بر تایوان را مطرح ساخته، زمانی بوده که در داخل با مشکلات و درگیریهای سیاسی و اجتماعی روبرو بوده است که بیشترین بهره را از آن، نظامیان چین برده‌اند، ژنرال‌های چین که به خوبی درک می‌کنند بازپس‌گیری تایوان از طریق نظامی چندان هم ساده نیست، هرگاه که مسئله تایوان

مطرح بوده موفق شده‌اند اعتبارات بزرگی برای مجبزر کردن ارتش چین به موشکها، هواپیماها و کشتی‌های جنگی مدرن به دست آورند تا اگر روزی قرار باشد تهاجم خود را به تایوان آغاز کنند، نیرومندتر و مجهزتر به صحنه بیایند.

بدیهی است چین در پیوستن به سیستم تجارت جهانی و آماده شدن برای تفویض قدرت به رهبران جوان‌تر و کمتر خسته، به مهم‌ترین عاملی که نیاز دارد ثبات سیاسی در زمینه ادعای ارضی بر تایوان و سایر عناصر متزلزل‌کننده است. هم‌آقای «جیانگ زمین» و هم سایر رهبران قدیمی به خوبی آگاهند که هر اشتباه محاسبه‌نشده در این زمینه‌ها می‌تواند تفویض قدرت سیاسی به جوانترها را تسریع کند. آنچه مسلم است، این که، «جیانگ زمین» تا این لحظه مردم‌مقدر و چهره

«فالون کنگ» و به بهانه آن، یورش عظیم بر تجدیدطلبان صورت گرفت که نتیجه آن انباشته شدن زندان‌های کشور از ناراضیان بود. این اعمال نشان داد که رهبران سنتی چین در سرکوب هر اقدامی که بتواند حتی اندکی از کنترل آنها بر اوضاع بکاهد، تردید به خود راه نخواهند داد.

کشش‌های حساب‌نشده

با افزایش این فشارها و تشدید کنترل‌ها، حاکمان چین باید دلایلی جز بهانه‌های کهنه شده و تکراری مارکسیستی برای اعمالشان ارائه دهند تا توجیهی باشد برای ادامه راهشان. رهبران چین با آگاهی بر این نکته، اخیراً به یک ایدئولوژی

کند. او قول داده است در جریان کنگره حزب کمونیست کناره‌گیری خود را از ریاست کشور اعلام کند ولی این دلیل بر آن نیست که از اقتدار سیاسی کاسته شود. «زمین» در حال حاضر علاوه بر ریاست کشور، ریاست کمیسیون مرکزی نیروهای مسلح را در کمیته مرکزی حزب به عهده دارد که از اقتداری بسیار بالا برخوردار است و تصمیم ندارد پس از کنگره حزب این سمت را رها کند. گویا او اندرز «ماو تسه تونگ» بنیان‌گذار جمهوری خلق چین را که گفته بود قدرت از بشکه باروت سرچشمه می‌گیرد، آویزه گوش خود کرده است. در تاریخ جمهوری خلق چین تنها «دنگ شیائو پینگ» داوطلبانه از ریاست کمیسیون مرکزی نیروهای مسلح کناره‌گیری کرده است.

مأخذ: مجله اکونومیست سوم نوامبر ۲۰۰۰
برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

شد و امروز مهره‌های اصلی اداره چین هستند، کناره‌گیری خواهند کرد. در میان بیست و دو عضو دفتر سیاسی نیز اوضاع به همین منوال خواهد بود. پنج تن از هفت نفر اعضای کمیته اجرائی دفتر سیاسی و از جمله «ژو رونگجی» نخست‌وزیر و «لی پنگ» رئیس کنگره خلق چین، سمت‌های خود را از دست می‌دهند و نیز از مناصب دولتی کناره‌گیری خواهند کرد. به زودی یک پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست تصمیم خواهد گرفت که خلاء ناشی از کناره‌گرفتن این مهره‌ها در بعد از سال ۲۰۰۲ چگونه پر خواهد شد. برکناری کادرهای قدیمی حزب و تفویض مسندهای آنها به جوان‌ترهائی که بین سنین پنجاه تا شصت هستند، بدعتی است که از سوی «جیانگ زمین» گذاشته شده است، او برای از میدان به در کردن رقیبان خود و از جمله آقای «کیائو» این بدعت را گذاشت، غافل از آن که همین بدعت روزی گریبان خودش را نیز خواهد گرفت. «زمین» امروز هفتاد و چهار ساله است و نمی‌تواند از بدعتی که خود گذاشته است، فرار

بلامنازع صحنه سیاست چین بوده است. او که منتخب و دست‌پرورده «دنگ شیائو پینگ» رهبر فقید چین است، در مبارزه برای کسب قدرت، موفق شده است رقیبان نیرومندی چون «کیائوشی» رئیس پیشین کنگره خلق چین و «چن شی تونگ» شهردار پکن را که در حال حاضر به اتهام فساد در خانه‌اش تحت نظر است، از میدان به در کند، ولی تاریخ گذشته چین نشان داده است که هیچ یک از رهبران چین در هیچ زمانی از عواقب بروز حوادث پیش‌بینی نشده در امان نبوده‌اند. انقلاب فرهنگی و شورشی‌های میدان تیان‌آن‌من دلیلی بر این مدعا است. امروز سؤال این است که چین با پشت سر گذاشتن دهه ۹۰ در آرامش، می‌تواند چنین آرامشی را تا دو سال دیگر که کنگره حزب کمونیست چین تشکیل می‌شود و احتمالاً در آن مسئله تفویض قدرت به جوان‌ترها مطرح خواهد شد، حفظ کند. گفته می‌شود در کنگره آتی حزب، پنجاه تا شصت درصد کادرهای قدیمی عضو کمیته مرکزی حزب که تعداد آنها به حدود دویست نفر بالغ خواهد



پژوهش‌های علمی، مطالعات علمی
رتال جامع علوم انسانی

ایران بهداشت

۱۳۷۹ - ۱۳۳۴
۴۵ سال
فلاش صادقانه

نشانی: خیابان طالقانی غربی
چهارراه فریمان، شماره ۱۲۲
تلفن: ۴-۶۶۶۷۱۸۱
نمبر: ۶۴۰۲۹۵۶

iranbeh@Kanoon.net